

اعتبارسنجی مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران

چکیده

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی و از نظر ماهیت، کمی است. جامعه آماری شامل معماران و اساتید دانشگاهی است که به موضوع تحقیق آگاهی دارند و تعداد آنها با توجه به گستردگی در سطح کشور نامشخص است. با استفاده از فرمول کوکران و حجم جامعه نامشخص، تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. در این پژوهش از پرسش‌نامه ۸۵ سؤالی استفاده شد. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن ۰/۷۸۵، به‌دست آمد و جهت بررسی روایی از روایی صوری استفاده و تأیید شد. در ادامه از آزمون k-s، تحلیل عاملی تأییدی برای اعتبارسنجی مدل با کمک نرم‌افزار smart pls و spss استفاده شد. نتایج نشان داد مدل از روایی برخوردار بوده و مدل با ۶ متغیر اصلی و ۸۵ بعد تأیید شد. و همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ابزار ایجاد روح مکان همان عناصر فیزیکی محیط هستند که باید ویژگی‌های آنها را براساس احترام حواس انسانی درست در کنار هم تبدیل به فضای محاط‌کننده انسان ساخت نمود تا ایده‌هایی که در ذات پیکره‌های عینی مستتر هستند در احساس مخاطب به منصفه ظهور برسند. چون ایده‌پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر، اهمیت نقش زمان و مکان در بروز فضای معین و تغییر ابعاد در بستر زیبایی‌شناسی محیطی می‌تواند در وجود سناریوی حرکتی تعریف شده با دسترسی مناسب و حس‌آمیزی بصری و حسی حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف‌شده از نورگیرها اثر بگذارد. همچنین ابداع نوین ترکیب استعاره‌های هویت تاریخی و پدیده‌های دنیای مدرن با الهام از روح مفاهیم گذشته اثر متقابلی در این همانی سوژه و ابژه در برخورد پیچیده و متغیر با ابعاد نمادین فرهنگی و تمثیلی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با اعتبارسنجی مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران.
۲. آشنایی با عوامل مؤثر در ایجاد روح مکان در آثار فرهنگی معماری معاصر.

سؤالات پژوهش:

۱. اعتبارسنجی مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران به چه صورت است؟
۲. چه عواملی در روح مکان در آثار فرهنگی معماری معاصر نقش دارند؟

کلیدواژه‌ها: اعتبارسنجی مدل، زیبایی‌شناسی محیطی، روح مکان، آثار فرهنگی، معماری معاصر ایران.

مقدمه

فضا به معنای عام، واقعیتی دارای ویژگی‌های هویتی مشخص و معین است. نتیجه برداشت‌های آدمی از فضا از تجربه‌های ذهنی، شخصی، فرهنگی و اجتماعی او تأثیرپذیر است. لذا یک فضای معماری در مفهوم کلی نشان‌دهنده خصوصیات اصلی فرهنگی و سرزمینی آن است. هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن جامعه را پایه‌گذاری می‌کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ می‌باشد. در حقیقت، معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست. برای تبیین بروز زیبایی‌شناسی محیطی در فضای فرهنگی باید زیبایی را بشناسیم؛ زیبایی پدیده یا رویدادی است که از تلاقی و توافق داده‌های حسی کالبدی و محیطی از یک سو و مفاهیم فرهنگی و توانایی ذهنی و آگاهی ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. زیبایی‌شناسی یک تجربه عینی-ذهنی است که در ادراک انسان شکل می‌گیرد، و زیبایی‌شناسی محیطی تجربه درک و احساس محیط با تمام حواس براساس ارزش‌های ذاتی جنبه شناختی است.

زیبایی‌شناسی محیطی کاملاً ارتباط دو سویه بین انسان و محیط را شرح می‌دهد، به گونه‌ای که انسان پس از قرارگیری در فضا با به‌کارگیری حواس خود و آنچه به عینیت می‌بیند، تمامی جنبه‌های محیط را به صورت داده وارد ذهن خود می‌کند و روی آن پردازش انجام می‌دهد، و به ادراک و شناخت از آن دست می‌یابد. سپس شناخت حاصل شده از ادراک محیط می‌تواند برداشت‌های انسان را از محیط شکل دهد به گونه‌ای که هر کدام را ارزش‌گذاری کند و بعد به صورت متقابل خود انسان نیز در محیط دخالت فعالانه داشته باشد و آنچه در نظر خود حامل ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیط است را خلق کند. جنبه دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

روح مکان به عنوان متعالی‌ترین مرتبه شکل‌گیری سطوح شکل‌گیری حس مکان است (همان: ۲۷۶) که انسان با حضور در مکان تحت تأثیر روح محافظ آن قرار می‌گیرد. این مسئله ارتباط تنگاتنگ و حتی گاه این همانی بین روح مکان و زیبایی‌شناسی محیطی را نشان می‌دهد. پس پرداختن این دو جنبه در کنار هم و ایجاد ارتباط بین آن‌ها در معماری رابطه بین انسان و محیط را به خوبی تکوین می‌کند. در عین حال، تأثیر کالبد و فرم معماری به عنوان ظرف مکانی که معلولی از فرهنگ جامعه است در بازنمایی این مفاهیم و معانی تأثیر به‌سزایی دارد. در این میان، حس مکان نیز از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. امروزه معنادار بودن فضا از مهم‌ترین راهکارهای کیفیت بخشی به فضای معماری است و طراحان و معماران در این زمینه تلاش می‌کنند. از این رو توجه به مفاهیمی همچون حس مکان و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن بسیار مورد توجه می‌باشد. توجه به وجوه حسی و روانی مخاطب در زیبایی‌شناسی محیطی یکی از عوامل مؤثر در ارتقا حس مکان می‌باشد. معماری به عنوان نقطه تلاقی علم و هنر، با هدف ارتقای کیفیت مکان، امروزه به صورتی گسترده دست به گریبان نظریات و مقوله‌های درهم تنیده زده است. در پژوهش‌ها موارد مورد اهمیت چگونگی القای روح و حس مکان در بناهای امروزی توسط عناصری از قبیل اندام، کالبد، عناصر محیطی و ... می‌باشد (بهبهانی اسلامی و کابلی، ۱۳۹۵). همچنین می‌توان گفت حس تعلق به عنوان یکی از مراتب حس مکان، فرآیند دو سویه از ارتباط هیجانی می‌باشد که رشد روانشناختی، فیزیکی و شناختی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرآیند به عنوان مبنایی برای شکل‌گیری اعتماد یا بی‌اعتمادی و چگونگی ارتباط با پدیده‌های پیرامون شناخته می‌شود (Hinshow et al., ۱۹۹۹).

در باب ضرورت و اهمیت انجام‌دادن این پژوهش، باتوجه به مسائل مطرح‌شده در باب معضلات عدم وجود روح مکان و در نظر نگرفتن زیبایی‌شناسی محیطی در معماری معاصر فضاهای فرهنگی حال حاضر و عدم وجود مدل

مفهومی معماری مشخص و سازمان یافته جهت ایجاد راهبرد مشخص در این فضاها که نقطه عطف تعاملات انسان با محیط و دیگر انسان‌ها در آن‌ها شکل می‌گیرد، پرداختن به آن حائز اهمیت شمرده می‌شود؛ چراکه فرهنگ و هویت در معماری معاصر آثار فرهنگی در حال فراموشی رنگ باختن است، و تبیین یک مدل مفهومی ایرانی که پاسخگوی نیازهای معاصر امروز باشد وجود ندارد که مشتمل بر در نظر گرفتن تمامی حواس انسانی از ادراک زیبایی‌شناسی محیطی باشد و منجر شود به غنای حسی مکان فرهنگی و دارای روح محافظ خویش باشد و سپس این ارزش‌ها را به ذهن مخاطب متبادر سازد، ضرورت دارد و در هیچ پژوهشی به آن پرداخته نشده است. بدین منظور که هویت خود از تصور روح مکان سرچشمه می‌گیرد و روح مکان نیز رابطه زیبایی‌شناختی انسان و محیط هست. بدین جهت هویت و فرهنگ رابطه تنگاتنگی با زیبایی‌شناسی محیط دارد؛ پس بهترین فضا برای ارائه مدل پژوهش فضاها فرهنگ هستند تا بتوان معضل مطرح شده را به واسطه مدل مفهومی سامان یافته حل نمود و پاسخ مناسبی باشد به منظور رفع نیاز معماران به واسطه معیارها و شاخص‌های معین، تا بتواند راهگشا واقع گردد.

به نظر می‌رسد تبیین مدل مفهومی معماری مستدل برای زیبایی‌شناسی محیطی که منطبق بر ارزش‌های روح مکان باشد، برای معماری معاصر ایران آن هم در فضاها فرهنگی که عمده نگرش‌ها و ادراکات محیطی به علت حجم بالای تعاملات اجتماعی در این فضاها شکل می‌گیرد، امروزه مورد نیاز واقع شده است. پس از مطالعات نظری و انجام مصاحبه از معماران معاصر، با روش داده بنیاد متنی مدل مفهومی پژوهش تبیین گردید. با توجه به مسائل مطرح شده آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده است، اعتبارسنجی تبیین مدل مفهومی برای فضاها فرهنگی است که متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان این فضاها است که به صورت روش داده بنیاد به واسطه کدگذاری آراء و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران موضوع در کنار هماهنگی آن با مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی محیطی در سلسله‌مراتب دستیابی به روح مکان تدوین گشته است. در اینجا با مطالعات و تحلیل کمی اعتبار مدل مورد سنجش قرار داده شده است، تا نتایج حاصل از آن بتواند رهیافت و راهبرد مناسبی باشد در جهت ساماندهی و یکپارچه نمودن مسیر معماری در بناهای جمعی و فرهنگی ایران، تا بر مسائل آن پاسخی کاربردی و مؤثر باشد.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع روش توصیفی-پیمایشی، از نظر ماهیت کمی است. چارچوب نظری پژوهش به روش کتابخانه‌ای، اطلاعات اسنادی و تهیه فیش از کتب و مقالات معتبر گردآوری گشته است. جامعه آماری پژوهش برای پرسش‌نامه شامل معماران و اساتید دانشگاهی است که به موضوع تحقیق آگاهی دارند که تعداد آن‌ها با توجه به گستردگی در سطح کشور نامشخص است، بنابراین با استفاده از فرمول کوکران و حجم جامعه نامشخص، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. روش نمونه‌گیری نیز در دسترس است. در این پژوهش از پرسش‌نامه ۸۵ سؤالی استفاده شد. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن ۰/۷۸۵ است. به دست آمد، و جهت بررسی روایی آن، با استفاده از روایی صوری، و روایی مدل از روایی همگرا، واگرا و سازه استفاده شد. در ادامه از آزمون k-s، تحلیل عاملی تأییدی برای اعتبارسنجی مدل با کمک نرم‌افزار smart pls و spss بهره گرفته شده است.

در خصوص عنوان پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر درنیامده است اما آثاری به بررسی حس مکان در آثار معماری معاصر پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. پهلوان‌پور و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مدل‌های ادراک حسی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مساجد محل‌های معاصر (نمونه موردی: مساجد محل‌های معاصر قزوین) این مسئله را مطالعه کرده‌اند. یافته‌های تحقیق وجود رابطه معنادار بین مؤلفه‌های ادراک حسی و حس تعلق به مکان در مساجد محله‌ای را نشان می‌دهند؛ که در آن میزان تأثیرگذاری شاخصه‌های فرهنگی

و نظام اجتماعی موجود در محله از دیگر شاخصه‌ها بیشتر می‌باشد. شاهمرادی (۱۳۹۹) به بررسی بازتاب مفهوم زیبایی شناسی در معماری معاصر پرداخته است.

دانش پایه و حبیب (۱۳۹۶) معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران را مطالعه کردند. در این پژوهش، ۱۰ معیار اصلی شامل غنای بصری، تناسبات بصری، کیفیت کالبدی فضایی، خوانایی، قابلیت ادراک مکان، هویت و شخصیت، قابلیت دسترسی، انعطاف‌پذیری، آسایش و دعوت‌کننده و جذاب‌بودن مکان، در زمینه شکل‌گیری و تشخیص حس مکان از نقطه‌نظر ساکنان توسعه جدید شهری تدوین شد. واعظی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی روش‌های ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری» معتقد است که انسان دارای دو ساحت عاطفی و عقلانی و ادراک زیبایی یکی از فعالیت‌ها روح است و این فعالیت رخ نمی‌دهد مگر در برابر محرکی از عالم خارج، که نهایتاً با سه باز خورد (لذت، شافتی، ارزش) همراه می‌باشد. شاهرودی کلور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز (موردپژوهی مسجد حاجعلی، مسجد مشیرالملک، مسجدالرجا و مسجد دانشگاه)» تبیین کنند که مؤلفه‌های کالبدی در ساختار مسجد سنتی و معاصر سطوح مختلف حس مکان را تأمین می‌کنند و تفاوت تنها در اولویت‌بندی آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان مطرح گفت معماری که براساس ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی شکل گرفته است، دیدارکننده را جذب خود می‌کند. درواقع به‌گونه‌ای تداعی معانی و نمادها را به ذهن مخاطب باید متبادر کند که همواره به این مهم توجه خود را معطوف کرده باشد که مخاطب و سوژه فضا در دنیای انتزاعی به‌سر نمی‌برد و عموماً در دنیای اشیاء واقعی است. پس درواقع ابزار ایجاد روح مکان همان عناصر فیزیکی محیط هستند که باید ویژگی‌های آن‌ها را براساس احترام حواس انسانی درست در کنار هم تبدیل به فضای محاط‌کننده انسان ساخت نمود تا ایده‌هایی که در ذات پیکره‌های عینی مستتر هستند در احساس مخاطب به‌منصه ظهور برسند. پس می‌توان گفت همان‌طور که می‌دانیم تنها پرداختن به یک لایه تک بعدی از زیبایی فرمال نمی‌تواند پاسخگوی تبادل روح مکان باشد، اما باید گفت درواقع چگونگی استفاده از همان فرم‌ها، احجام و فضاها در کیفیات ترکیبی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. همان‌طور که به‌درستی زیبایی‌شناسی محیطی دخالت فعالانه تمامی وجوه حسی است؛ اما باید این مهم را نیز در نظر گرفت که نمی‌توان زیبایی‌شناسی در روح مکان را صرفاً به حواس انسانی و حالات درونی او محدود ساخت، بلکه باید توجه داشت که همان جنبه‌های فیزیکی هستند که تنها ابزار بیرونی ما برای القای تداعی خاطر مطلوب به مخاطب است. پس همان‌طور که نباید از آن‌ها گذشت بلکه باید دقت داشت که چگونه از آن‌ها باید استفاده کرد. همان‌طور که عناصر فیزیکی از جمله شکل‌ها، ریتم‌ها، محرک‌های فرمی، جنس مصالح، هندسه محیطی، ابعاد، پیچیدگی یا خوانایی، حجم و جرم دقیقاً با رابطه مستقیم الگوهای رفتاری مخاطب را در فضا تعیین می‌کند. چگونگی قرارگیری ترکیبات بصری و ترتیبات فرمی، مصالح، ابعاد فرم‌ها در تقابل با سوژه دقیقاً درک محیط را به‌مثابه نظامی فراگیر امکان‌پذیر می‌سازد، و همان سایه می‌اندازد بر چگونگی ادراک سوژه به‌واسطه صداهایی که ایجاد می‌شود، رنگ‌هایی که می‌بیند و از هم تمیز می‌دهد، شدت و میزان نوری که وارد فضا می‌شود، و پیچیدگی یا خوانایی که به‌واسطه ضرب آهنگ‌های حسی و ریتم می‌تواند حرکت سناریوی فضا، و شکل‌گیری کشف و شهود ذهنی را برای او ممکن سازد. این تنوع در محیط‌های عمومی به‌خصوص فضای فرهنگی بسیار مورد نیاز است؛ چراکه در فضای فرهنگی مخاطب اهداف والاتری را جستجو می‌کند، و براساس هرم مازلو از نیازهای ابتدائی خود گذر کرده است زیرا کاربری آثار فرهنگی همواره

اهدافی متفاوت با کاربری‌های دیگر را جستجو می‌کنند، و برای ارتقاء سواد، دانش، فرهنگ، حذف هویت و سنت‌ها شکل می‌گیرند. مهم‌ترین مسئله‌ای که در فضای فرهنگی خود را نشان می‌دهد تعاملات اجتماعی هست که فرد با محیط و با افراد دیگر در لایه‌های اجتماعی و کنش‌های فرهنگی ایجاد می‌کند. در واقع آثار فرهنگی مکانی است که هدف هم افزایی، کشف و شهود و کسب دانایی شکل می‌گیرد. مخاطبی که آنجا قرار دارد برای جستجوی نیازهای والاتری آن مکان را برمی‌گزیند. پس می‌توان گفت از آنجایی که کاربری آثار فرهنگی با کاربری چون بیمارستان که مخاطب در آن به دنبال رفع نیازهای اضطراری و پایه‌ای چون کسب سلامتی است بسیار متفاوت است. پس ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی در بالاترین درجه که خلاقیت، رشد و شکوفایی به واسطه کشف و شهود سوژه است در فضای فرهنگی می‌تواند به‌منصه حضور برسد تا به روح مکان نائل آید. در این بین، فعالیت و گستره درک افراد از محیط زیاد است؛ پس شکل‌دهی به محیط فرهنگی باید روح و روان فرد را به آرامش برساند تا با ذهن بی‌دغدغه بتواند برای اهداف آن فضا دخالت مؤثر خود را بروز دهد؛ چراکه در محیط فرهنگی که حجم تعاملات جمعی و فرهنگی بالاتر است احساس و رفتار مخاطب دارای معنی ذهنی خاص می‌شود و تأثیرگذار بر رفتار دیگر مخاطبان فضا است. پس می‌توان گفت در آثار فرهنگی جنبه‌های تاریخی، سنتی و اجتماعی از جنبه‌های حسی و تداعی خاطر جداشدنی نیستند. تمرکز بر عقاید، باورها و ارزش‌های ساختاری در زیبایی‌شناسی محیطی در پاسخگویی به نیازها حائز اهمیت است. همچنین مواردی چون ایده‌پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر، اهمیت نقش زمان و مکان در بروز فضای معین و تغییر ابعاد در بستر ریخت‌شناسی می‌تواند در وجود سناریوی حرکتی تعریف شده با دسترسی مناسب و حس‌آمیزی بصری و حسی حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها اثر بگذارد. همچنین ابداع نوین ترکیب استعاره‌های هویت تاریخی و پدیده‌های دنیای مدرن با الهام از روح مفاهیم گذشته اثر متقابلی در این همانی سوژه و ابژه در برخورد پیچیده و متغیر با ابعاد نمادین فرهنگی و تمثیلی دارد. بروز روح مکان با به‌کارگیری ذوق و استعداد معمار با توجه به کارکردهای اجتماعی فضای فعال، می‌تواند در مطلوبیت سیرکولاسیون حرارتی و کنترل گرما که خود پاسخگوی حس بساواایی پوست است تأثیر به‌سزایی قائل شود. سیرکولاسیون حرکتی تعریف شده در ارتباط بین فضای باز و بسته نیز در کنار تجلی انعکاس سراسر است و شفافیت بی‌مرز عناصر فضا می‌تواند دیدگاه همه‌جانبه‌نگری را خلق کند که در تعادل موزون، ریتم، تداوم و یکپارچگی در بستر برای خوانایی عناصر مؤثر واقع شود. پس می‌توان گفت این پیچیدگی در عین ایجاز و قابلیت شناسایی و پیش‌بینی ذهن مخاطب و ادراک او را در کشف و شهود تعقیب می‌کند. این‌گونه تمهیداتی چون حذف مزاحمت‌های صوتی و عملکردی در کنار هماهنگی دنیای ذهنی معمار با دنیای بیرونی در عین انطباق با افکار زمان می‌تواند در ایجاد تحرک و پویایی به‌واسطه هم‌خوانی عملکردها در مفهوم‌گرایی فرهنگی راهگشا واقع گردد.

منابع

- اخوان، پیمان؛ جعفری، مصطفی. (۱۳۸۵). «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش»، فصلنامه مدیریت فردا، شماره ۱۵ و ۱۶.
- برلینت، آرنولد. (۱۹۹۸). «زیبایی‌شناسی محیطی»، ترجمه: جواد علافچی، مجله زیباشناخت، شماره ۱۶.
- بهبهانی اسلامی، مایده و کابلی، احمدرضا. (۱۳۹۵). «القای روح و حس مکان معماری کهن ایرانی به بناهای معاصر»، چهارمین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی معماری و شهرسازی ایران، تهران.

پهلوان پور، رسول؛ سهیلی، جمال الدین و خاکزند، مهدی. (۱۳۹۸). تبیین مدل‌های ادراک حسی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مساجد محله‌ای معاصر (نمونه موردی: مساجد محله‌ای معاصر قزوین). مجله پژوهش‌های معماری اسلامی. ۷ (۳): ۹۱-۱۰۶.

دانش پایه، نسا؛ حبیب، فرح. (۱۳۹۶). «معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۲۲ و منطقه ۴ شهرداری تهران). مطالعات شهری، ۶(۲۵)، ۱۷-۳۰.

شاهمرادی، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). «بازتاب مفهوم زیبایی‌شناسی در معماری معاصر». دومین کنفرانس محیط زیست، عمران، معماری و شهرسازی.

شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۶). محاط در محیط، کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

فلامکی، ترمه. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: انتشارات آگرا، نشر لویه.

فلاحی، م. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هنرهای زیبا، ۲۶(۲۶)، ۵۷-۶۶.

قائمی فر، ش. (۱۳۹۵). «الگوی زیبایی‌شناسی در معماری براساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی». شباک، ۲، ۳۷-۴۷.

معماریان، محمدرضا. (۱۳۸۳). مفهوم هویت، دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Arriaza, M., Canas-Ortega, J.F., Canas-Madueno, J.A., Ruiz-Aviles, P. (۲۰۰۴). Assessing the visual quality of rural landscapes. *Landscape Urban Plan*, vol ۶۹, pp. ۱۱۵-۱۲۵. ۸.

Bentley, I., Alcock, A., McGlynn, S., Murrain, P., Smith, G., (۱۹۹۲), *Responsive environments: A manual for designers*. Oxford: Butterworth Architecture.

Carlson, A. (۲۰۰۳). *Environmental Aesthetics*. In E. Craig (Ed.), *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, London: Routledge, <http://www.rep.routledge.com/article/M۰۴۷> [Accessed ۱۱/۰۷/۲۰۱۳]. ۳۴.

Cuthbert, A. R. (۲۰۰۶). *The Form of Cities*, Australia: Blackwell Publishing Ltd.

Dutton, D. (۲۰۰۴), *Let's Naturalize Aesthetics*, http://aesthetics-online.org/ideas/articles/index.php?articles_id=۱۹, [Accessed ۱۶/۰۶/۲۰۱۳]. ۵۵.

Hinshaw, F.S., Boris, N.W., and Zeanah, C.H. (۱۹۹۹). Reactive attachment disorder twin in maltreated. *Infant mental health Journal*, vol ۲۰, pp. ۴۲-۵۹.

Konijnendijk, C.C. (۲۰۰۸). *The forest and the city: the cultural landscape of urban woodland*, Netherlands: Springer. ۱۰۷.

Kquofi, S., and Glover, R., (۲۰۱۲). Awareness Level of Environmental Aesthetics on KNUST Campus, Kumasi, Ghana: A Descriptive Account. *Journal of Environment and Earth Science*, vol ۲, No. ۱۰, pp. ۸۴-۹۲.

Qinping, L. (۲۰۰۶). The Worldwide Significance of Chinese Aesthetics in the Twenty-First Century. *Frontiers of Philosophy in China*, vol. ۱, No. ۱, pp. ۳۳-۴۰. ۱۶۴.

Relph, E., (۱۹۷۶), *Place and Placelessness*, London: pion.

Smout, T.C. (۱۹۹۱). The Highlands and the Roots of Green Consciousness ۱۷۵۰-۱۹۹۰. *Proc. British Academy*, vol ۷۶, pp. ۲۳۷-۲۶۳. ۱۷۹.

Wang, M.C., You, M. and Lee, CH.F. (۲۰۰۹). Environmental Aesthetics: Philosophic Foundations and Methodological Perspectives, in *Proceeding of International Association of Societies of Design Research*, Seoul: Korean Society of Design Science, pp. ۳۳۵۹-۳۳۶۸. ۱۹۵.

Williams, D.R., Anderson, B.S., McDonald, C.D., and Patterson, M.E. (1990). Measuring place attachment: More preliminary results, P. 48 in Abstracts of the 1990 Symp. on Leisure Research, Arlington, VA: National Recreation and Park Assoc.